

نگاهی به زندگی و زمانه امام جواد علیه السلام

زندگی امام جواد علیه السلام چندان طولانی نبوده است که اخبار فراوانی هم از آن در دسترس ما قرار گیرد.



زندگی امام جواد علیه السلام چندان طولانی نبوده است که اخبار فراوانی هم از آن در دسترس ما قرار گیرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، آگاهیهای تاریخی درباره زندگی امام جواد علیه السلام چندان گسترده نیست؛ زیرا افزون بر آن که محدودیتهای سیاسی همواره مانع از انتشار اخبار مربوط به امامان معصوم علیه السلام می گردید، تقیه و شیوه های پنهانی مبارزه که برای " حفظ امام و شیعیان از فشار حاکمیت" بود، عامل مؤثری در عدم نقل اخبار در منابع تاریخی است. افزون بر آن، زندگی امام جواد علیه السلام چندان طولانی نبوده است که اخبار فراوانی هم از آن در دسترس ما قرار گیرد.

و نیز گفتنی است، زمانی که امام رضا علیه السلام به خراسان برده شد، هیچ یک از اعضای خانواده خود را به همراه نبرد و در آنجا تنها زندگی می کرد. و از اخبار مربوط به شهادت امام رضا علیه السلام چنین بر می آید که امام جواد علیه السلام آن هنگام در مدینه اقامت داشت و تنها برای غسل پدر و اقامه نماز به آن حضرت در طوس حضور یافت.

چنانکه در مقاله سایت شهید آوینی آمده است؛ هنگامی که مأمون بعد از شهادت امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۴ به بغداد بازگشت، از ناحیه حضرتش اطمینان خاطر پیدا کرده بود، ولی این را می دانست که شیعیان پس از امام رضا علیه السلام فرزند او را به امامت خواهند پذیرفت و در این صورت خطر همچنان بر جای خود خواهد ماند. او سیاست کنترل امام کاظم علیه السلام توسط پدرش را- که او را به بغداد آورده و زندانی کرده بود- به یادداشت و با الهام از این سیاست، همین رفتار را با امام رضا علیه السلام در پیش گرفت، ولی با ظاهری آراسته و فریبکارانه، به گونه ای که می کوشید نه تنها در ظاهر امر مسأله زندان و مانند آن در کار نباشد، بلکه با برخورد دوستانه، چنین تبلیغ شود که او علاقه و محبت ویژه نیز به ایشان دارد. اینک نوبت امام جواد علیه السلام فرا رسیده بود تا به نحوی کنترل شود. مأمون برای انجام این هدف، دختر خود را به عقد وی درآورد و او را داماد خود کرد. از همین رهگذر بود که مأمون به راحتی می توانست از طرفی امام را در کنترل خود داشته باشد و از طرف دیگر آمد و شد شیعیان و تماس های آنان را با آن حضرت زیر نظر بگیرد.

بر اساس برخی نقلها، مأمون پس از ورود به بغداد- در سال ۲۰۴- بلافاصله امام جواد علیه السلام را از مدینه به بغداد فراخواند. افزون بر این، مأمون متهم بود که امام رضا علیه السلام را به شهادت رسانده است. اکنون می بایست با فرزند وی به گونه ای رفتار کند که از آن اتهام نیز مبری شود.

از روایتی که شیخ مفید از ریان بن شبيب نقل کرده، چنین بر می آید: موقعی که مأمون تصمیم به ازدواج ام فضل با امام جواد علیه السلام گرفت، عباسیان برآشفتمند؛ زیرا ترس آن داشتند که پس از مأمون، خلافت به خاندان علوی برگردد، چنانکه درباره امام رضا علیه السلام هم به سختی دچار همین نگرانی شده بودند. ولی به طوری که از دو روایت فوق برمی آید، آنان مخالفت خود را به گونه دیگری وانمود کرده و گفتند: دختر خود را به ازدواج کودکی درمی آورد که: "لم يتفقهُ في دين الله ولا يعرف حلاله من حرامه ولا فرضاً من سته"؛ کودکی که تفقه در دین خدا ندارد، حلال را از حرام تشخیص نمی دهد و واجب را از مستحب باز نمی شناسد.

مأمون در مقابل این برخورد، مجلسی برپا کرد و امام جواد علیه السلام را به مناظره علمی با یحیی بن اکثم، بزرگترین دانشمند و فقیه سنی آن عصر، فراخواند تا بدین وسیله مخالفان و اعتراض کنندگان عباسی را به اشتباه خود آگاه کند. این در حالی بود که بنا به این دو روایت، هنگام عقد ازدواج ام فضل با امام جواد علیه السلام هنوز به آن حضرت " صبی" اطلاق می شده است.

مکتب علمی امام جواد علیه السلام

می دانیم که یکی از ابعاد بزرگ زندگی ائمه ما، بعد فرهنگی آنها است. این پیشوایان بزرگ هرکدام در عصر خود فعالیت فرهنگی داشته در مکتب خویش شاگردانی تربیت می کردند و علوم و دانشهای خود را توسط آنان در جامعه منتشر می کردند، اما شرائط اجتماعی و سیاسی زمان آنان یکسان نبوده است، مثلاً در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام شرائط اجتماعی مساعد بود و به همین جهت دیدیم که تعداد شاگردان و راویان حضرت صادق علیه السلام بالغ بر چهار هزار نفر می شد، ولی از دوره امام جواد تا امام عسکری علیه السلام به دلیل فشارهای سیاسی و کنترل شدید فعالیت آنان از طرف دربار خلافت، شعاع

فعالیت آنان بسیار محدود بود و از این نظر تعداد راویان و پرورش یافتگان مکتب آنان نسبت به زمان حضرت صادق علیه السلام کاهش بسیار چشمگیری را نشان می‌دهد.

بنابراین اگر می‌خوانیم که تعداد راویان و اصحاب حضرت جواد علیه السلام قریب صد و ده نفر بوده اند و جمعا ۲۵۰ حدیث از آن حضرت نقل شده، نباید تعجب کنیم، زیرا از یک سو، آن حضرت شدیداً تحت مراقبت و کنترل سیاسی بود و از طرف دیگر، زود به شهادت رسید و به اتفاق نظر دانشمندان بیش از بیست و پنج سال عمر نکرد!

درعین حال، باید توجه داشت که در میان همین تعداد محدود اصحاب و راویان آن حضرت، چهره های درخشان و شخصیت‌های برجسته‌ای مانند: علی بن مهزیار، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، زکریا بن آدم، محمد بن اسماعیل بن بزيع، حسین بن سعید اهوازی، احمد بن محمد بن خالد برقی بودند که هر کدام در صحنه علمی و فقهی وزنه خاصی به شمار می‌رفتند، و برخی دارای تالیفات متعدد بودند.

از طرف دیگر، روایان احادیث امام جواد علیه السلام تنها در محدثان شیعه خلاصه نمی‌شوند، بلکه محدثان و دانشمندان اهل تسنن نیز معارف و حقایقی از اسلام را از آن حضرت نقل کرده‌اند. به عنوان نمونه «خطیب بغدادی» احادیثی با سند خود از آن حضرت نقل کرده است. هم چنین حافظ «عبد العزیز بن اخضر جنابذی» در کتاب «معالم العترة الطاهرة» و مؤلفانی نیز مانند: ابو بکر احمد بن ثابت، ابواسحاق ثعلبی، و محمد بن مندة بن مهربذ در کتب تاریخ و تفسیر خویش روایاتی از آن حضرت نقل کرده‌اند.

نحوه شهادت حضرت

درباره آمد و شد امام در مدینه و احترام مردم نسبت به آن حضرت، اطلاعات مختصری در پاره ای از روایات آمده است.

فراخوانی آن حضرت به بغداد، در سال ۲۲۰، توسط معتصم عباسی، آن هم درست در همان اولین سال حکومت خود، نمی‌توانست بی ارتباط با جنبه های سیاسی قضیه باشد. به ویژه که درست همان سال که حضرت جواد علیه السلام به بغداد آمد، رحلت کرد؛ این در حالی بود که تنها ۲۵ سال از عمر شریفش می‌گذشت. عناد عباسیان با آل علی علیه السلام به ویژه با امام شیعیان که در آن زمان جمعیت متناهی تابعیت مستقل آنها را پذیرفته بودند، شاهدهی است بر توطئه حکومت در شهادت امام جواد علیه السلام. همچنین خواستن آن حضرت به بغداد و درگذشت وی در همان سال در بغداد، همگی شواهد غیرقابل انکاری بر شهادت آن بزرگوار به دست عوامل عباسی می‌باشد.

مرحوم شیخ مفید، با اشاره به روایتی درباره مسمومیت و شهادت امام جواد علیه السلام، رحلت آن حضرت را مشکوک دانسته است. بنا به روایت مستوفی، عقیده شیعه بر این است که معتصم آن حضرت را مسموم نموده است.

پاره ای از منابع اهل تسنن، اشاره بر این دارند که امام جواد علیه السلام به میل خود و برای دیداری از معتصم عازم بغداد شده است. در حالی که منابع دیگر، حاکی از آنند که معتصم به ابن زیات مأموریت داد تا کسی را برای آوردن امام به بغداد بفرستد. ابن صباغ نیز با عبارت "إشخاص المعتصم له من المدينة" این مطلب را تأیید کرده است.

مسعودی روایتی نقل کرده که بنابر آن، شهادت آن حضرت به دست ام فضل، در زمانی رخ داده که امام از مدینه به بغداد نزد معتصم آمده بود. ام فضل پس از شهادت امام، به پاس این عمل خود به حرم خلیفه پیوست. (۱۶) این نکته را نباید از نظر دور داشت که ام فضل در زندگی مشترک خود با امام جواد علیه السلام از دو جهت ناکام مانده بود:

نخست آن که از آن حضرت دارای فرزندی نشد.
دوم آن که امام نیز چندان توجهی به وی نداشت.

ام فضل یک بار (گویا از مدینه) نامه ای نگاشت و از امام نزد مأمون شکایت کرد و از این که امام چند کنیز دارد گله نمود، ولی مأمون در جواب او نوشت:

ما تو را به عقد ابوجعفر درنیاوردیم که حلالی را بر او حرام کنیم، دیگر از این شکایتها نکن. به هر حال، ام فضل پس از مرگ پدر، امام را در بغداد مسموم کرد و راه یافتن او به حرم خلیفه و برخورداری از مواهب موجود در آن، نشانی از آن است که این عمل به دستور معتصم انجام شده است. و بالاخره امام جواد علیه السلام به شهادت رسید و حرم مطهر ایشان در کاظمین عراق قرار دارد که ملجا و پناهگاه عاشقان ایشان است.